

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها

عباس دولت‌یاری^۱

زهره صالحی^۲

چکیده

سنگ قبرها یکی از پر رمز و رازترین منابع تاریخ گذشتگان به‌شمار می‌روند سنگ قبرهای هر منطقه و کشوری تحت تأثیر معماری، معیشت و فرهنگ آن منطقه است. معرفی شخصیت‌ها، آیات و احادیث، اشعار و سایر اطلاعات تاریخی که بر روی سنگ قبرها حکاکی شده، مجموعه بسیار خوبی برای بررسی تاریخ، فرهنگ و هنر آن مناطق محسوب می‌شود و می‌تواند موقعیت اجتماعی، اعتقادات و باورهای مردم دوره خود را در اختیار بشر امروزی قرار دهد.

در این پژوهش تلاش شده است نقوش روی سنگ قبور گورستان سفیدچاه بهشهر از لحاظ چستی و دلیل ایجاد این نقوش و نیز ارتباط این نقوش با موقعیت اجتماعی، شغل، جنسیت متوفی و همچنین باورها و اعتقادات مردم، مطالعه و بررسی شود و سپس بین این نگاره‌ها با نگاره‌های گورستان‌های مشابه و هم‌دوره خود (قبرستان‌های محوطه امامزاده باباسیف‌الدین دره‌شهر، نهارخوران گرگان، نقوش قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، گورستان دارالسلام شیراز، قبر انوشیروان در اردستان، قبور آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری و نقوش سنگ مزارهای بقعه شیخ کلخوران) مقایسه گردد.

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد تزئینات روی سنگ قبور به دو صورت گود و برجسته ایجاد شده است و سنگ قبرهای سفیدچاه در فرم‌های صندوقی، کتابی و محرابی وجود دارند. گرچه سنگ‌قبرهای سفیدچاه متعلق به دوره تیموری است ولی تزئینات مختلف و نقوش بدیع این مجموعه به حالات و مقامات عرفانی و محورهای طریقتی صفویان اشاره دارد و با استناد به این نقوش می‌توان ادعا کرد هنر صفویان متأثر از هنر دوره تیموریان بوده است. روش به کار رفته در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی، همراه با مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: بهشهر، سفیدچاه، سنگ قبر، گورستان، نقش و نگاره، نماد

۱. کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، مدرس پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره‌شهر (نویسنده مسئول). رایانامه: abbass.dolatyari@yahoo.com

۲. کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی و مدیر دبستان ابتدایی معلم‌کلا محمودآباد مازندران. رایانامه: Zahra_salehi67@yahoo.com

۶۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

یکی از مسائل اساسی آدمی از بدو هستی تا به امروز، مسئله مرگ و جهان پس از آن است. این بینش در تمامی جوامع، دارای مجموعه‌ای از نمودها و جلوه‌های گوناگون از آیین‌ها، مراسم‌ها و سرودها گرفته تا خلق آثاری همچون مجسمه‌ها، نقاشی‌ها و آثار مصور است. مزار و سنگ مزار، یکی از اجزای لاینفک این تفکر در جوامع مختلف است؛ زیرا توانسته همچون ابزاری اساسی برای نموده‌های عینی و معنوی آن به کار رود. سنگ از دیرباز در زندگی آدمی، چه در قالب منزلگاه و جایگاه سکونت و چه به‌عنوان ابزار و وسیله کار و چه در قالب هویتی مقدس و مذهبی، نقش مهمی ایفا کرده است. (خسرونژاد، ۱۳۷۷: ۲۳؛ شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴)

سفیدچاه، روستایی از توابع بخش یانه‌سر شهرستان بهشهر است که در دامنه کوه‌های هزارجریب در استان مازندران واقع شده است. گورستان سفیدچاه طبق نظر میراث فرهنگی استان مازندران به دوره تیموریان نسبت داده شده و در تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۸۱ شمسی با شماره ثبت ۷۸۴۵ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. نقوش حجاری شده در سنگ قبور این گورستان علاوه بر زیبایی، دارای جنبه‌های مفهومی در بیان عقاید و افکار و نیز نشان دهنده جنسیت و زندگی فرد متوفی است. نقش مایه‌های تزئینی سنگ قبور، دریچه‌ای به دنیای افکار دینی، فرهنگی و هنری هر منطقه است. سنگ قبور قبرستان‌های سفیدچاه همچون سنگ قبور دیگر مراکز ایران (همچون سنگ قبور شهرستان دره‌شهر، آبدانان، دارالسلام شیراز و...) مزین به نقوشی هستند که از متن و بطن تاریخ فرهنگی، اجتماعی و دینی مردمان این منطقه نشئت می‌گیرند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و مطالعه یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین گورستان‌های متعلق به دوران اسلامی در مازندران، و بویژه بررسی نمادین نقوش گیاهی سنگ‌نگاره‌های موجود در آن است که به صورت نمادین بر روی هزاران سنگ قبر نقش بسته است. بی‌شک بررسی و مطالعه کمی و کیفی چنین حجم عظیمی از سنگ‌نگاره‌های قبور که در ۴ گورستان نزدیک به هم با نام سفیدچاه (اصلی، فرعی ۱، فرعی ۲، فرعی ۳) پراکنده گردیده‌اند، خالی از اشتباه یا کاستی نخواهد بود. با وجود

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۶۳

این، وارد شدن به چنین دامنه وسیع و متنوعی از اشکال، نمادها و رموز می‌تواند زمینه را برای انجام چنین مطالعاتی فراهم آورد. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اسناد کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. همچنین از طریق مشاهده و عکاسی فنی نمونه‌ها، اطلاعات و یافته‌ها جمع‌آوری شده است.

بیان مسئله و ضرورت آن

شهرستان بهشهر در شرق استان مازندران به لحاظ مردم‌شناسی و باستان‌شناسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گواه این مسئله فراوانی محوطه‌های ثبت شده در این منطقه است که طیف زمانی گسترده‌ای را از دوران پیش از تاریخ تا دوران اسلامی متأخر دربرمی‌گیرد. فراوانی این محوطه‌ها، آثار تنوع فرهنگی شهرستان بهشهر، فرهنگ غنی عامه و حجم اندک منابع مکتوب در این زمینه، ضرورت بررسی، تجزیه و تحلیل آثار فرهنگی را در بافت محلی فراهم آورده است. در این مقاله در پی معرفی و شناسایی گوشه‌ای از هنر و فرهنگ این منطقه از کشورمان هستیم.

محوطه‌های مورد بررسی شامل چهار گورستان مربوط به قرن هشتم هجری تا دوران متأخر اسلامی است. به نظر می‌رسد گورستان‌های مذکور مربوط به جوامع یکجانشین باشند که امروزه نیز مورد توجه است و خاک‌سپاری در آنها ادامه دارد. برخی از محلی‌ها بر این باورند که اگر مرده‌هایشان را در این گورستان دفن کنند، گناهانشان بخشیده می‌شود. در ۲۰ سال اخیر هنر سنگ‌تراشی در این روستا از بین رفته است، زیرا سنگ‌تراشان حرفه‌ای این کار، از روستای مصیب‌محله بوده‌اند که بسیاری از آنان دیگر در قید حیات نیستند و امروزه برای آسانی کار از سنگ مزار جدید و آماده و در اصطلاح «کتابی» استفاده می‌کنند. در این گورستان هر فرد متوفی دارای دو سنگ بر روی مزار خود است؛ یک سنگ در بالای مزار که به «روسری» شهرت دارد و یک سنگ در پایین مزار که به «زیرسری» مشهور است. اسم متوفی را بر روی سنگ رو سری می‌نوشتند و نقوش به‌کار برده شده، اغلب بر روی سنگ زیر سری نقش می‌شده است. جهت کلی سنگ قبور

۶۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

گورستان سفیدچاه به صورت شرقی - غربی بوده و میت طوری قرار می گرفته است که صورتش به سمت قبله باشد.

روی برخی از گورها تصاویری از انسان، حیوان، گیاه و نیز ابزار و ادوات دیده می شود که نشان از دل بستگی ها و دغدغه های مردمان ساکن این نواحی دارد. نکته جالب توجه آنکه تصاویر حک شده بر گورهای اخیر و معاصر این منطقه، با تصاویر گورهای معاصر در سایر مناطق ایران شباهت های قابل توجهی دارد. بر این اساس، به بررسی و مقایسه گورهای این منطقه با چندین گورستان معاصر و مشابه (قبرستان های محوطه امامزاده باباسیف الدین دره شهر، آبدانان و ...) در سایر نقاط ایران پرداخته ایم. امید است پژوهش های تطبیقی میان این تصاویر و فرهنگ شفاهی اعم از باورها، اندیشه ها و افسانه ها به فهم و درک بیشتر هنر و فرهنگ پیشینیان این منطقه کمک کند.

اهداف پژوهش

در این مقاله پژوهشی تلاش شده است با مطالعه، طبقه بندی و مقایسه نقوش روی سنگ قبور گورستان سفیدچاه با سایر گورستان های همدوره و مشابه، اهداف زیر دنبال شود:

- یافتن چستی و دلیل ایجاد این نقوش بر روی سنگ قبرها
- یافتن ارتباط بین نقوش سنگ مزارها با باورها و اعتقادات مردم
- یافتن ارتباط بین این نگاره ها با نگاره های گورستان های مشابه و همدوره همچون سنگ قبور محوطه امامزاده باباسیف الدین دره شهر، نهارخوران گرگان، نقوش قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی الدین اردبیلی، گورستان دارالسلام شیراز، سنگ قبر امیرنوشیروان در اردستان، قبور آرامگاه شیخ شهاب الدین اهری در اهر و سنگ مزارهای بقعه شیخ کلخوران اردبیل.

پرسش های پژوهش

در این مقاله تلاش شده است به پرسش های زیر پاسخ داده شود:

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۶۵

- نقوش سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر چه مفاهیمی دارند؟
- نقوش هر دوره زمانی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با هم دارند؟
- این قبور تا چه حد با سایر گورستان‌های هم دوره شباهت دارد و آیا ارتباطی بین این گورستان‌ها می‌توان یافت؟

پیشینه مطالعات

هیچ سابقه مطالعاتی رسمی و مستندی درباره گورستان‌های منطقه وجود ندارد، جز آنکه براساس طرح مصوب پژوهش‌های زبان و گویش، از طرف اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران در مهر ماه سال ۱۳۸۱ گزارشی مکتوب و تصویری تحت عنوان «بررسی، مطالعه و مستندسازی گورستان سفیدچاه بهشهر» به همت شهربانو وفائی (۱۳۸۱) انجام شده است. این گزارش مربوط به کل منطقه یانه‌سر بوده و از جنبه مستندسازی به آن پرداخته شده است.

منطقه مورد بررسی

بر اساس طرح سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مازندران، بخش جنوب شرقی شهرستان بهشهر، واقع در محدوده بخش یانه‌سر منطقه هزارجریب، منطقه مورد بررسی پژوهش حاضر است. این بخش در جنوب شرقی شهرستان بهشهر، بین سه استان مازندران، گلستان و سمنان قرار دارد. از شمال به گلوگاه و شهرستان بندرگز، از مغرب به شهرستان کردکوی، از جنوب شرقی به دامغان و از جنوب و غرب به شهرستان نکا محدود است. بخش یانه‌سر به مرکزیت روستای بیشه‌بنه از نظر اداری تابع شهرستان بهشهر و مشتمل بر دو دهستان و ۶۸ روستا است. روستای سفیدچاه نیز مرکز دهستان عشرستاق و دهستان شهدا است. روستای سفیدچاه تا مرکز بخش بیشه‌بنه ۱۲ کیلومتر، تا شهر گلوگاه ۳۸ کیلومتر، تا بهشهر ۶۱ کیلومتر و تا دامغان ۱۰۲ کیلومتر فاصله دارد. روستای سفیدچاه در مسیر راه ارتباطی گلوگاه - دامغان است. (ریاحی، ۱۳۷۹: ۲۶)

جغرافیای طبیعی منطقه پژوهش

شهرستان بهشهر از شمال به دریای مازنداران و خلیج گرگان، از شرق به کردکوی و بندر گز، از جنوب به دامغان و از غرب به نکا و ساری محدود است. بهشهر از سه بخش مرکزی، گلوگاه و یانه سر؛ سه شهر بهشهر، رستمکلا و گلوگاه و شش دهستان تشکیل شده است. شبه جزیره میانکاله در شمال شرقی این شهرستان واقع است. بخش‌های شمالی شهرستان بهشهر از نوار ساحلی به نسبت باریکی تشکیل شده و در نواحی جنوبی آن بلندی‌های البرز واقع است. کوه شادر با ارتفاع ۳۲۵۱ متر و بادله با ارتفاع ۳۲۱۱ متر از بلندترین کوه‌های اطراف بهشهر هستند. رود نکا و زارم رود از مهم‌ترین و پرآب‌ترین رودهای بهشهر به شمار می‌روند. ملگونوف^۱ در کتاب سفرنامه مازندران برابر ۱۲۷۷ هجری می‌نویسد: ولایت اشرف که اشرف البلاد به آن نامیده شده، از جرکلباد یا گلوگاه است تا رود نیکاه، شامل دو بخش بالابلوک، که هزار جریب نیز گویند در کوهستان طرف جنوبی شهر است و پائین بلوک یا میان دو رود که در شمال اشرف در زمین هموار است. (عسگری، ۱۳۵۰: ۱۹۸)

پیشینه پژوهش نقوش سنگ‌قبرها

نقوش حک شده روی سنگ قبرهای مناطق مختلف کشور از دیرباز مورد توجه افراد گوناگون قرار گرفته است. اینگه دمانت مورتنسن^۲ در کتاب کوچ‌نشینان لرستان (Mortensen, 1993) در مورد پیشینه مطالعه قبرهای نقش‌دار لرستان آورده است: نخستین دسته از بررسی این گونه قبرها شامل مشاهدات تصادفی و اظهارنظرهایی است که توسط مسافران، اکتشاف‌گران و افسران سیاسی در قرن نوزدهم میلادی صورت گرفته است (دولتیاری، ۱۳۹۵). فیلبرگ^۳ در نخستین آثار خود درباره ایل پابی در سال ۱۹۳۹ از این دسته قبرهای نقش‌دار عکسبرداری کرد. وی همچنین به توصیف

1. Melgunov
2. Ing Domant Mortensem
3. Filberg

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۶۷

دو دسته قبر پرداخت. دو قبرستان توصیف شده او دارای کتیبه و برخی اشکال حک شده بودند. او همچنین گفته، «روی سنگ قبر متوفی تاریخ فوت نوشته شده است که می‌توان به راحتی تاریخ قبر را تشخیص داد». (Mortensen, 1993: 132)

دسته دوم شامل گروه کوچکی از مطالعات تخصصی‌تر یا مقاله‌های کوتاه در این زمینه است. (دولت‌یاری، ۱۳۹۵)

در سال‌های اخیر متأسفانه پژوهش‌های مربوط به نقوش سنگ قبرها کمتر مورد توجه باستان‌شناسان، مردم‌شناسان و انسان‌شناسان قرار گرفته و به حیطه گرافیک و هنر قدم نهاده است. در سال‌های اخیر قبرستان‌های معروفی چون دارالسلام شیراز در کانون توجه پژوهشگران هنر و گرافیک قرار گرفته است. (پویان، ۱۳۸۹؛ خسرونژاد، ۱۳۷۷؛ چارثی، ۱۳۸۷)

موقعیت گورستان سفیدچاه

گورستان سفیدچاه در بخش خاوری استان مازندران (طول جغرافیایی "9' 53' 5° خاوری، عرض جغرافیایی 36' 36° شمالی) در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب شهر گلوگاه و در ارتفاع ۱۰۵۰ متری از سطح تراز آب‌های دریا‌های آزاد قرار دارد. اختلاف بین مرز شمالی و جنوبی به ۱۳ دقیقه و بین مرز شرقی و غربی به ۲۸ دقیقه می‌رسد. (ریاحی، ۱۳۷۹: ۲۵؛ وفائی، ۱۳۸۱)

سابقه شکل‌گیری گورستان سفیدچاه بهشهر

گورستان سفیدچاه طبق آثار و شواهد و با توجه به سنگ مزارهای قرن هشتم و نهم مربوط به حضور سادات میرعمادی، سادات مرعشی، روزافزونی و دیگر بزرگان محلی در منطقه است. قدیمی‌ترین سنگ مزار به دست آمده از سفیدچاه متعلق به سال ۸۳۰ هجری قمری است که ۵۵ سال از صندوق مزار امامزادگان «عبدالرحمن (ع)، منصور(ع) و ابراهیم (ع) از فرزندان احمد پسر امام موسی کاظم (ع)» سفیدچاه قدیمی‌تر است.

سنگ قبرهای سفیدچاه به فرم‌های صندوقی، کتابی و محرابی است با شاهکارهایی از نقوش متنوع و بی‌همتا که قلم هنرمندان حکاک این مرز و بوم آنها را خلق کرده‌اند. نقوشی که از طبیعت سرشار و زندگی ساده و بی‌پیرایه مردم این سرزمین سرچشمه گرفته و کتابخانه‌ی سنگی بی‌نظیری از هنر، معیشت و اعتقادات آنان خلق کرده است که تحسین هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد. از دیرباز تا کنون اهالی روستاها و شهرهای دور و نزدیک، طبق وصیت، اجساد مردگان خود را در این گورستان دفن می‌کنند و با وجود سختی مسیر دستیابی به این گورستان، مشکلات آن را به جان می‌خرند تا عزیز از دست‌رفته آنها در سرزمینی آرام گیرد که نسل‌های متمادی اجداد آنها را با مهربانی در آغوش گرفته است.

گورستان سفیدچاه در ۴ بخش به فاصله کم از یکدیگر واقع شده است. ترتیب نامگذاری آنها به ترتیب عبارت‌اند از: گورستان اصلی (مرکزی) به ابعاد ۳۲۱۷۵ مترمربع که وسیع‌ترین بخش و شامل بنای امامزاده است. که هنوز پس از گذشت سالیان طولانی گورهای اطراف امامزاده به سبک قدیم وجود دارد. هر چند به دلیل قداست و اهمیت این محوطه تراکم گورها بسیار زیاد است؛ به طوری که به نظر می‌رسد چندین تدفین داخل هم صورت گرفته یا سنگ‌های بالای سر و زیر پا بسیار به هم نزدیک هستند. هر چقدر از امامزاده به طرف غرب و شمال غرب می‌رویم، گورهای جدید بیشتری به چشم می‌خورد؛ گورهایی افقی با سنگ قبرهایی از جنس مرمر. سمت شمال غرب گورستان، گورهای شهداست که به سبک جدید در یک سطح صاف نشانه‌گذاری شده‌اند. طبق بررسی‌های انجام شده، گورهای اطراف امامزاده و بخش غربی گورستان به سبک قدیم هستند؛ بویژه برخی گورها که سنگ نشانه‌های آنها به رنگ زرد است.

گورستان فرعی یک به ابعاد ۳۴۲۰ مترمربع، فرعی دو به ابعاد ۵۴۵۳ مترمربع و فرعی سه به ابعاد ۴۱۱۶ مترمربع نامگذاری شده‌اند. مجموع قبور در گورستان‌های مرکزی و فرعی مورد پژوهش در سفیدچاه (با توجه به میانگین محدوده‌های آمارگیری) ۲۲۵۸۱ قبر است.

بحث و بررسی







ویژگی‌های عام سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه:

۱. انواع سنگ قبرها از نظر نحوه استقرار و قاب‌بندی سنگ قبرها
۲. شکل و پیکره سنگ قبرها
۳. نوع حجاری و پرداخت سنگ قبرها
۴. نوشتار و آرایش خطوط
۵. مفاهیم نهفته در نقوش و اشکال.

انواع سنگ قبرها از نظر نحوه استقرار

سنگ مزارهای قبرستان سفیدچاه به دو شیوه خوابیده (افقی) و ایستاده (عمودی) هستند که در بعضی مناطق، ترکیبی از این دو شیوه در یک قبر نیز دیده می‌شود. در نمونه‌های ترکیبی یعنی مواردی که هم، سنگ عمودی و هم، سنگ افقی با یکدیگر به کار رفته‌اند، معمولاً معرفی و شرح حال متوفی به روی سنگ دیده می‌شود. قدمت به‌کارگیری سنگ عمودی به عنوان سنگ مزار و اینکه از چه هنگام و به چه منظوری به سنگ افقی تبدیل شده یا اینکه کدام یک بر دیگری تقدم و تأخر دارند، به طور دقیق مشخص نیست (خسرونژاد، ۱۳۷۷: ۲۴)

با توجه به سنگ مزارهای گورستان و مقایسه آن با نمونه‌های مشابه و همزمان آن در گورستان‌هایی چون نهارخوران گرگان، گورستان امامزاده بابا سیف‌الدین دره‌شهر گورستان‌های آبدانان (گورهای محوطه‌ای ۱۴۰ و محوطه کُونه کَل) (فیضی مهسا و نسیم، ۱۳۸۹: ۲۳)، بقعه شیخ امین‌الدین جبرائیل کلخوران و بویژه سنگ قبر امیر اویس آل نوشیروان در دشت محال اردستان، این مطلب قابل دریافت است (بهشید و بهلولی نیری، ۱۳۹۲: ۱۳۸).

	<p>شکار</p>
	<p>ابزار آلات روزمره زندگی</p>
	<p>نقوش دینی</p>
	<p>نقوش یا مضمون هم‌نشینی و مجالست</p>
	<p>نقوش گیاهی</p>
	<p>نقوش ترکیبی</p>

شکل شماره ۱: نقوش تزیینی سنگ قبور شهرستان دره شهر

(شریفی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱)



تصویر شماره ۱: سنگ قبور عمودی، الف و ب گورهای محوطه‌ای ۱۴۰ آبدانان، پ محوطه کونه کل ۲ آبدانان (فیضی، مهسا و نسیم، ۱۳۸۹: ۲۳)

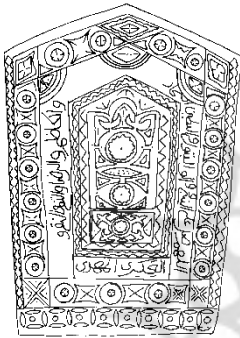

شکل و بیکره سنگ قبرها

الف) سنگ‌های افقی: سطح فوقانی سنگ‌های افقی معمولاً به شکل مستطیل است که بنابر سنت‌های رایج و اعتقادات بومی طراحی و حکاکی شده‌اند. این قبیل سنگ‌ها گاه با قطر کم (۱۰ سانتیمتر) و گاه با قطر زیاد (۱ متر) است که شکل کلی مکعب مستطیل‌های توپُر را تشکیل می‌دهند.

سنگ قبرهای افقی گورستان سفیدچاه از منظری دیگر به دو شکل محرابی (با سطح مسطح - کتابی) و صندوقی (مکعبی) تقسیم می‌شوند که هر دو شکل در ایران دارای پیشینه معماری است. طرح محراب در اصل متعلق به دوره میترایسم است. ایجاد محراب و پرستشگاه و شکل نیم‌دایره (فریژی یا کلاه‌شکسته) قسمت بالایی آن از مشخصات معماری مدیترانه است و مدیترانه در گذشته مرکز قلمرو آیین مهر بوده است. در این صورت محراب امری کاملاً مسیحی و بودایی نیست، بلکه به سبک معماری معابد مهری بازمی‌گردد (یونسی، ۱۳۴۲: ۴۳۱). دکتر مقدم نیز منشاء محراب و مهرب را معابد مهری ذکر کرده و محراب را معرب «مهرب» می‌داند (مقدم، ۱۳۴۳:

۷۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۹۰-۴۶). اولین سند مکتوب که در آن به محراب به عنوان جایگاه مقدس اشاره شد، قرآن کریم است که در تمامی موارد مربوط به پیش از اسلام و پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) است. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

نقوش	توضیحات	تصاویر
گورستان اصلی	سنگ قبر عمودی شکل محرابی (با سطح مسطح - کتابی)، توصیف: فرم محرابی: این سنگ قبر دارای نقش‌های بسیار ریز و تزیینی است. در حاشیه محراب نقش دایره و مربع، یکی در میان در کنار هم قرار گرفته‌اند. در محراب کوچک‌تر اسامی ۱۲ امام نوشته شده و در محراب داخلی که راس آن شبیه به تاج است، فرم دایره با نقوش گیاهی ترکیب شده و فرم زیبایی را ایجاد کرده است.	
گورستان فرعی	سنگ قبر افقی شکل صندوقی (مکعبی خوابیده)، توصیف: فرم مکعب خوابیده را دارد که بالای آن شبیه به شمشیر تراشیده شده است که در کنار آن فرم انتزاعی شبیه به پرنده قرار دارد. در انتهای آن مربع تراشیده شده است که گود رفته و جای قرار گرفتن مشخصات متوفی است.	

شکل شماره ۲: نمونه‌ای از سنگ قبر در گورستان اصلی و گورستان فرعی

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۷۳

در متون تفسیر قرآن آمده است، از مصدر «محرابه» گرفته شده، چرا که نمازگزار هنگام نماز، با شیطان جنگ می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶۱۶). در لسان ابن‌منظور معانی مختلفی برای محراب ذکر شده است؛ از جمله: ارجمندترین جا در یک اتاق، ارجمندترین جای مجلس، بلندترین اتاق در یک خانه، نیایشگاه یهودیان، کنام یا زیستگاه شیر، خلوتگاه پادشاه (الانصاری، ۱۳۷۸: ۳۸۱). الاصمعی روایت کرده است که عرب قصر را به دلیل شریف بودنش محراب نامد. همچنین محراب را به معنای فرورفتگی‌های طاقچه ماندی که بت‌ها را در آن قرار می‌دادند، آورده‌اند. (یونسی، ۱۳۴۲: ۴۲۳)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۳ سوره سباء نوشته‌اند: «کلمه محاریب جمع محراب است که به معنای نمازگاه و محل عبادت است» (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۲۶۰-۲۶۱). عده‌ای از مفسران نیز معتقدند، محراب محل ویژه‌ای است در معبد که برای امام آن معبد یا افراد خاصی در نظر گرفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۶۱۶). از سوی دیگر محراب به معنای تمام معبد آمده که جایگاه مبارزه با هوای نفسانی و شیطان است (همان). برخی مفسران، کلمه محراب را بالاخانه یا شاه‌نشین معنی کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۴: ۳۰۵). محراب در واقع پیشگاه مجلس یا صدر اتاق، محل نماز و عبادت زرتشتیان است. اما امروزه محراب در واقع در جهت قبله است و بنابر آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که پنجره‌ای به سوی نور است (امروزه نیز در بسیاری از نقاط مردم هنگامی که به زیارت اهل قبور می‌روند، با سنگ یا گچ طرح پنجره‌ای را روی سنگ ایجاد می‌کنند که جهت ورود نور به قبر متوفی است) و چون در باور زرتشتی و اسلامی نور نماد خداست، در پیرامون محراب مساجد نقش آیه‌هایی از سوره نور و در مرکز طاق آن قندیل یا چراغدان اجرا می‌شده است (پارسایی و شهابی‌راد، ۱۳۹۰: ۷۰). پیشینه این سنگ قبر در منطقه به دوران تاریخی اشکانی و ساسانی و تا صفویه می‌رسد. نمونه این سنگ قبرها در گورستان اصلی سفیدچاه، قبرهای متعلق به قرن هشتم و نهم هجری است که بر روی سنگ‌های این گورستان انواع نقوش اسلحه‌ها، شامل شمشیر، تفنگ، گیره، تبر، تیردان و شانه وجود دارد که نشان‌دهنده جنگجو بودن متوفی است

۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

(خامچی، ۱۳۷۰: ۴۰۶). این نوع نقوش قبور، مشابه نقوش قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است.

پس از اسلام، از سده چهارم هجری به بعد بر سنگ قبور حکاکی شد که چه پیش از اسلام و چه پس از آن، دریچه‌ای رو به خداست و حقیقت هستی تلقی می‌شود. از قرن ۴ تا ۶ هجری، روی سنگ قبرها کنده‌کاری‌هایی دیده می‌شود که نقوش مشابه پارچه‌های سلجوقی دارد. بهترین نمونه آن یک سنگ قبر است از سنگ دگرگون‌شده درجه پایین به نام اسلیت که از مجموعه دگرگونی شیست‌های گرگان معروف است به رنگ خاکستری تیره ساخته شده است و فرم نقوش محرابی که با خطوط زیگزالی پر شده است و نقش گل چند پر که در فواصل بین آنها قرار گرفته است. در فرم محراب کوچک‌تر نقش زیگزالی با تراکم بیشتر پیاده‌سازی شده است و نقش نیم‌دایره و فرم انتزاعی برگ در فواصل آنها قرار دارد و در مرکز محراب با استفاده از خطوط هندسی فرم شبیه به درخت ایجاد شده است و دو گل در بین آنها قرار دارد. طرح صندوقی (مکعبی) نیز از صندوق‌های چوبی و فلزی است که بیشتر از دوران تیموری متداول می‌شود و نمونه‌هایی از آن در محوطه آرامگاه امامزاده عباس ساری مربوط به قرن ۸ هجری قمری، امامزاده یحیی متعلق به قرن ۸ هجری قمری و منبت تلفیقی شش پر و شش ضلعی صندوق امامزاده زین‌العابدین متعلق به قرن ۹ هجری قمری مشاهده می‌شود، هم‌چنین یکی از قالب‌های صندوق شاهزاده حسین ساری متعلق به قرن ۹ هجری قمری به شکل صندوق چوبی است. (بی‌نام، ۱۳۸۸)

ب) **سنگ‌های عمودی** خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

سنگ‌های عمودی کلاه فریژی (شکسته) سنگ‌های مکعبی و سنگ‌های استوانه‌ای سنگ‌های مسطح عمودی: همان‌طور که گفتیم، این دسته از سنگ‌ها دو کارکرد داشته‌اند، حالت اول سنگ عمودی که خود در حکم یک سنگ قبر کامل به‌شمار می‌آید و همه اطلاعات و احیاناً تصاویر مهم بر روی آن درج شده است. یکی از قابلیت‌های این نوع سنگ‌های ایستاده، استفاده از هر دو روی سنگ است (یعنی هر دو طرف سنگ جایگاه اطلاعات و نوشتار و تصاویر است). نمونه‌هایی از این نوع سنگ قبور در گورستان اصلی سفیدچاه یافت شده که قابل مقایسه با سنگ قبور محوطه باستانی

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۷۵

شهری ری (روستای پیرازمیان مشکین‌شهر) مربوط به هزارهای دوم پیش از میلاد است که قسمت رو و گاه هر دو طرف سنگ‌های قبر و یادمان عمودی مسطح با نقوش انسانی همراه با خنجرهایشان حک شده‌اند. (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۷۶)

نقوش	توضیحات	تصاویر
گورستان اصلی (شکل ۳-۱، نقش گیاهی)	سنگ‌های عمودی کلاه فریژی (شکسته)، توصیف: فرم محرابی ساده که در حاشیه دارای تزیینات نقطه‌چین است. در حاشیه محراب نقوش شبیه به کلاه مهری و نقش دایره که در وسط آن گل ۶ پر قرار دارد و در رأس محراب داخلی تزیینات انتزاعی گیاهی مشاهده می‌شود. نقش دادن داخل محراب: شبیه به درخت با شاخ و برگ فراوان است. فرم قرینه در اثر به طور زیبایی رعایت شده است.	
گورستان اصلی (شکل ۳-۲، نقش اسلیمی)	سنگ قبر عمودی شکل صندوقی (مکعبی)، توصیف: حالت این سنگ به فرم ایستاده، به رنگ زرد است که دو قسمت دارد: در قسمت بالا که دارای فرم دایره و کتیبه کوفی است نقش لاله الاله محمد رسول الله حک شده و در حاشیه آن فرم گیاهی و پیچک قرار دارد که حول دایره قرار گرفته‌اند و در پایین فرم شبیه به محراب قرار دارد که سوره حمد در داخل نوشته شده و در اطراف محراب مشخصات متوفی و نام پنج تن آمده است.	

شکل شماره ۳: نمونه‌ای از سنگ قبر در گورستان اصلی

نوع حجاری و پرداخت سنگ قبرها

شیوه حکاکی‌ها و ایجاد نقوش به دو صورت برجسته و گود (کنده) است که در نوع برجسته اطراف نقوش را حکاکی می‌کردند تا نقش، جلوه بیشتری داشته باشد و این کار دقت و زمان زیادی را می‌طلبد. نوع گود نیز مشخص است که نقوش را در سنگ حکاکی می‌کردند تا مشخص شود. این روش در مقایسه با نوع برجسته، دقت و زمان زیادی نیاز نداشت و بیشتر برای ایجاد قاب‌بندی‌ها و احادیث و نقوش خاص و کوچک مورد استفاده قرار می‌گرفت.

نوشتار و آرایش خطوط و قاب‌بندی سنگ قبور

سنگ قبرهای هر منطقه‌ای تحت تأثیر معماری و فرهنگ آن منطقه است. یکی از مهم‌ترین موارد به لحاظ مردم‌شناسی، وجود نقوش کنده‌ها بر روی سنگ قبرهای عمودی و افقی است. سنگ قبور عمودی به صورت قاب‌بندی‌هایی است که در بخش پیشانی عمده‌تاً با فرم نقوش انتزاعی کلاه مهری، نقوش برجسته زنجیرمانند، فرم گیاهی و گل شاه‌عباسی، تزئین حلزونی، مقرنس‌های لانه زنبوری، خطوط موازی، متقاطع، مورب، منحنی و زیگزاگ، کنده شده و در بخش پایین، آیات قرآنی درون قاب بر سنگ نقر گردیده و گاه در گوشه‌ها نیم‌ستون‌هایی در سنگ ایجاد شده است.

اما سنگ مزارهای افقی عمده‌تاً به دو شیوه قاب‌بندی‌های منقوش محرابی و قاب‌بندی‌های مزین به آیات و احادیث است که بر سطح موازی با زمین، بر روی سنگ حک شده است.

هدف از اجرای قاب‌ها، تعریف حریمی به منظور سامان‌دهی کتیبه‌ها و نقوش است. قاب‌ها روی سنگ‌های عمودی و افقی اجرا می‌شدند، اما از دوره پهلوی بدین طرف، به دلیل رویکرد عام هنرمندان در حذف تزئینات، استفاده از آنها رو به کاهش نهاد. (پارسایی و شهابی‌راد، ۱۳۹۰: ۶۹)

در گورستان سفیدچاه قاب‌ها هماهنگ با ابعاد سنگ، به لحاظ طراحی متنوع شده است.

این طرح و قاب‌بندی‌ها سه ویژگی مشترک دارند:

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۷۷

۱. مانند خود سنگ قبورشان، دارای تناسب به شکل مستطیل هستند.
 ۲. یک خط تقارن در محور طولی (و به ندرت در محور عرضی) دارند.
 ۳. شکل آنها شبیه درگاهی طاق‌دار (کلاه فریژی یا محرابی) است.
- طرح محرابی در واقع شامل کادر مستطیلی بر روی هم چسبیده یا به صورت مجزاست که یک قسمت آیه، حدیث یا سال و مشخصات فرد متوفی در آن نقر شده و در کادر دیگر که بزرگ‌تر است، قاب‌بندی‌هایی با طرح محرابی ایجاد شده که نقوش مختلفی در آن ایجاد شده است.

مفاهیم نهفته در نقوش و اشکال

علاوه بر کتیبه‌ها، نقوش سنگ قبرها نیز به شناسایی موقعیت اجتماعی، جنسیت و شغل متوفی کمک می‌کند و تنها برای تزئین سطوح سنگ قبر نیست. بی‌شک این تصاویر و نقوش علاوه بر موارد ذکر شده، دارای معانی فلسفی خاص نیز هستند که تحت تأثیر عقاید مذهبی، روایات و باورهای مردم شکل گرفته‌اند. همچنین نقش مذکور در واقع تجسم آثار معماری و حجم سه‌بعدی در فضای دوبعدی است. این موضوع را با توجه به نوع ایجاد شدن نقوشی چون مقرنس‌ها بر بخش پیشانی سنگ یادمان عمودی و همچنین قاب محرابی ساده، مقرنس‌مانند و برگ نخلی یا به عبارت دیگر پر طاووسی می‌توان دریافت. نمونه این نوع تزئینات در مقابر نه‌ارخوران گرگان، مقابر پیرامون بقعه شیخ کلخوران اردبیل، مقابر محوطه شهیدگاه پیرامون بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، مقابر پیرامون محوطه امامزاده بابا سیف‌الدین دره‌شهر، مقبره امیر اویس آل نوشیروان واقع در اردستان، روستای اونار مشکین‌شهر، می‌توان دید. (پورکریم، ۱۳۴۲: ۳۳)

به طور کلی نقوش به‌کار رفته بر روی سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه را به شش گروه گیاهی، حیوانی، هندسی، نمادین، انسانی، خط و کتیبه می‌توان تقسیم کرد که در ادامه به دو گروه نقوش گیاهی و حیوانی پرداخته می‌شود.

۷۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نقوش گیاهی که بیشترین و متنوع‌ترین نقوش را شامل می‌شوند و در واقع از پیچک‌ها، برگ‌های اسلیمی و ختایی و گل‌های نیلوفر، رز و صدتومانی هستند. نقوش مزبور یادآور حجاری‌های ایوان بزرگ طاق بستان است که در آن گل و برگ‌های نیلوفر از زمین رو به سمت بالا کشیده شده است. در واقع «گل» و «برگ» و «درخت» نشانه سبزی و زندگی است و نمایانگر خوش‌یمنی و روزگار نیک است. علاوه بر آن، گل نیلوفر در میان نقوش پیچک‌ها و گل‌های سه‌برگی (پالمت) این مفاهیم را بیشتر جلوه می‌دهد. (همان، ۳۱).

انواع گیاهان در سنگ قبور سفیدچاه بهشهر

۱. گل: در (شکل شماره ۱-۴) فرم مهراب و در حاشیه مهراب فرم انتزاعی گیاهی قرار دارد که رو به بالارونده است و در زیر مهراب با خطوط منحنی تزئین شده است. در مرکز مهراب در رأس فرم، گل چهارپر قرار دارد و در کناره‌ها با خطوط موج‌دار تزئین شده است. گل به صورت حقیقی یا تجریدی و خیالی از زمان‌های بسیار دور، یکی از نقش‌مایه‌های روی سنگ‌نگاره‌ها و سفال‌ها بوده است. در سنگ قبور سفیدچاه بهشهر ما تعدادی زیادی از انواع گل‌ها را مشاهده می‌کنیم. که از این نوع می‌توان گل‌های محمدی، گل شاه‌عباسی، گل‌های کاغذی، گل‌های اطلسی، گل لاله و ... را نام برد.

۲. برگ: در (شکل شماره ۴) در داخل مهراب فرم برگ برای تزئین قرار دارد و فرم دوک و شانه دوسر قرار دارد. برگ‌ها از لحاظ شکل ظاهری به انواع متفاوتی تقسیم می‌شوند؛ شامل:

الف) برگ‌های صاف یا کامل که کناره صاف و بدون بریدگی دارد مثل برگ یاس و ارغوان

ب) برگ‌های دندانه‌دار مانند برگ محمدی

ج) برگ‌های کنگره‌دار که دارای بریدگی عمیق هستند مانند برگ بلوط و برگ سرخس

د) برگ‌های پنجه‌ای که دارای بریدگی پنجه‌مانند هستند، مانند برگ چنار و برگ مو

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۷۹

۳. درخت: در (شکل شماره ۳-۴) فرم مهراب که در حاشیه فرم گل‌های انتزاعی ۴ پر قرار دارد و در مرکز مهراب فرم انتزاعی درخت پر شاخ و برگ قرار دارد. درخت با اینکه جزو تقسیم‌بندی گیاهی جای می‌گیرد، اما این طرح با همان شکل و صورت حقیقی و حتی تغییر شکل یافته از طرح‌ها و نقش‌مایه‌های رایج و قدیمی بر روی کتیبه‌های سنگی، سنگ‌نگاره‌ها و سفال‌ها در ایران است.

سنگ‌تراشان بهشهر از درختان محلی به‌عنوان طرح اصلی برای نقش سنگ قبور بهره برده‌اند؛ اما از معروف‌ترین درختان نقش‌شده بر روی سنگ قبور سفیدچاه عبارت‌اند از: درختان سرو، کاج، بید مجنون، بید، موز، چنار، انار، شمشاد و گل‌ابریشم.

۴. بوته: در (شکل شماره ۴-۴) در بالای فرم مهرابی «یا علی» نوشته شده است که این نوشته در تقارن با یکدیگر و در داخل مهراب نیز تکرار شده است. در داخل مهراب فرم شبیه به بوته گل شاه‌عباسی قرار دارد و در فواصل بین آنها نام ۵ تن نوشته شده است. مهم‌ترین نقش بوته‌ها عبارت‌اند از: بوته گیاهان محلی، بوته درختانی مانند کاج، سرو و کنگر که هر یک از جایگاه خاصی برخوردار است.

نقش گیاهان و درختان بر سنگ قبور سفیدچاه

اهمیتی که نقوش گیاهی و استفاده و کاربرد آن در سنگ قبور سفیدچاه بهشهر دارد، انکارناپذیر است. کاربرد گیاه بر روی کتیبه‌های سنگی از دیرباز وجود داشته است. وجود کوهستان‌های بلند، جنگل‌های انبوه و دشت‌ها و دره‌های فراوان و منابع سرشار گیاهی در مازندران باعث شده است که هنرمندان و سنگ‌تراشان سفیدچاه با الهام از طبیعت و اسطوره‌های نمادین دست به خلق آثار گرانبها و باارزش فرهنگی و نمادین بزنند. در تعدادی از سنگ قبور سفیدچاه طرح‌های گیاهی مشاهده می‌شود (شکل شماره ۱-۳ و ۲-۳) که این طرح‌ها عبارت‌اند از: درختان افشان، گلدانی، بوته‌ای، لچک ترنج، اسلیمی. در اساطیر زردشتی گیاه، چهارمین آفریدهٔ مادی اهورامزدا در آفرینش جهان است گیاه نخستین نیای انسان است و چنین است که شاید مشی و مشیانه را بتوان گیاه خدایانی دانست که انسان از تبار آنهاست. رویش گیاه در بهار و فسردهن آن در زمستان برای انسان خاستگاه خدایان گیاهی است (هینلز، ۱۳۸۳: ۶۱).

نقوش درختی

در (شکل شماره ۵-۴) در فرم مهراب حاشیه با خطوط مورب به‌طور موازی قرار گرفته‌اند و در مرکز مهراب فرم انتزاعی سه درخت سروی قرار دارد. درخت را با هیبت حقیقی یا تجربیدی و تغییر شکل یافته و حتی خیالی آن در نقش مایه‌های سنگ قبور سفیدچاه می‌توان مشاهده کرد. نماد درخت یکی از قدیمی‌ترین نقوشی است که مورد توجه بشر قرار گرفته و آن را در آثار هنری خویش به‌کاربرده است. این نماد که بیشتر، آن را به‌عنوان درخت مقدس یا درخت زندگی می‌ستودند، از ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد در نواحی بین‌النهرین و پس از آن مورد توجه بوده است. در کاربرد این نقش فعالیت روانی و ذهن یکپارچه می‌شود. این نماد در اساطیر و ادیان به معنی نوزایی، بی‌پایان، تجدید دوره، منبع زندگی و سرچشمه جوانی و واقعیت است (دریایی، ۱۳۸۲). انسان‌ها درخت را مانند خود، موجود زنده و دارای روح و شعور به‌شمار می‌آورند و بیش از هر موجودی دیگری با درخت همسان‌پنداری دارند. (افروغ، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

درخت، زمان را تعریف و تثبیت می‌کند و بدین قرار ذات و جوهر زمان در درخت متمرکز می‌شود. درخت نماد حیات تکامل دایم است که بدین اعتبار مستمراً در شرف تجدید و نوشدگی است. با مشاهده حلقه‌هایی که در برش عرضی تنه درخت پیداست و هر یک نمودار یک سال از عمر درخت است، می‌توان گردش روزگار و تغییرات آب و هوایی محیط را که پشت سر گذاشته است، دید. (همان: ۲۱) درخت در تعبیری، نمایانگر ریشه و نسل است. (همان: ۲۵)

درخت، رمز رستاخیز رستنی‌ها، گیاهان، بهاران و تجدید حیات یا نو شدن سال است (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۵۹).

در دین اسلام نیز، درخت طوبی درخت مقدسی است که در بهشت جای دارد و نماد معرفت و دانش است. در قرآن کریم اغلب موارد، از درخت با واژه «شجر» یاد شده است. واژه‌شناسان شجر را این‌گونه معنا کرده‌اند. «هر روئیدنی که تنه دارد» و آنچه را که تنه ندارد، «نجم، عشب و حشیش» می‌نامند. (قریشی، ۱۳۷۵: ۷)

به‌طور کلی واژه درخت در اشکال مفرد و جمع و ... در مجموع ۲۷ مرتبه در آیات قرآن به‌کاررفته است. این واژه‌ها با یکی از مفاهیم یا عناوین نه‌گانه زیر به‌کاررفته‌اند:

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، بیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۸۱

۱. درخت و تسبیح خداوند؛ ۲. درخت و سجده در برابر خداوند (آیه ۱۸ سوره حج؛ آیه ۶ سوره رحمان)؛ ۳. درخت نشانه‌ای بر قدرت خداوند (آیه ۶۰ سوره نمل)؛ ۴. درخت و تمثیل (آیه ۲۴ سوره ابراهیم)؛ ۵. نقش درخت در زندگی انبیاء (آیه ۳۵ سوره بقره، آیات ۱۹ تا ۲۲ سوره اعراف و آیه ۱۲۰ سوره طه، آیه ۱۴۵ و ۱۴۶ سوره صافات، آیه ۳۰ سوره قصص، آیه ۷۱ سوره طه، آیات ۲۵ و ۲۶ سوره مریم و آیه ۱۸ سوره فتح) که در رابطه با آدم(ع)، یونس(ع)، حضرت موسی(ع)، حضرت عیسی(ع) و پیامبر اسلام است؛ ۶. درختان بهشتی (آیه ۱۴ سوره دهر، آیات ۴۶ تا ۴۸ و آیه ۶۸ سوره الرحمن، آیه ۲۳ و ۲۹ سوره واقعه و آیه ۲۶ سوره رعد)؛ ۷. درختان دوزخی (آیات ۶۲ تا ۶۷ سوره صافات، آیات ۴۳ تا ۴۶ سوره الدخان)؛ ۸. درختان دنیوی (آیه ۲۶۶ سوره بقره، آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره انعام، آیات ۱۱ و ۶۷ سوره نحل، آیات ۲۳ و ۲۵ سوره مریم، آیه ۹۱ سوره اسراء، آیه ۲۶۶ سوره بقره، آیه ۴ سوره رعد، آیه ۲۸ سوره عبس در رابطه با درخت انگور؛ آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره انعام و آیه ۶۸ سوره الرحمن درباره درخت انار، آیات ۱۶ سوره نباء، آیه ۲۸ سوره واقعه، آیات ۱۴ و ۱۶ سوره نجم درباره درخت سدر؛ آیات ۹۹ و ۱۴۱ سوره انعام، آیه ۲ سوره تین، آیه ۱۱ سوره نحل، آیه ۲۹ سوره عبس و آیه ۲۰ سوره مؤمنون درباره درخت زیتون)؛ ۹. نقش درخت در زندگی انسان‌ها و حیوانات (آیه ۸۰ سوره یاسین، آیه ۶۸ و ۱۰ سوره نحل).

نقش درخت سرو

روی گورنگاره‌ها از درخت، بویژه درخت سرو (شکل شماره ۵-۴) به فرم‌های تجریدی گوناگون استفاده شده است. درخت ویژه آرامگاه و نماد مرگ و از آنجا که همیشه سرسبز است، نماد رستاخیز نیز تصور شده است. در (شکل شماره ۵-۴) فرم انتزاعی سه درخت سرو بر سنگ قبور به تصویر کشیده شده است. عدد سه همواره در بین ایرانیان مقدس بوده، به گونه‌ای که در اساطیر ایرانی، جهان به سه بخش تقسیم شده است (بهار، ۱۳۷۷: ۳۹). سه عدد تصویر شدن این درختان، به آگاهی هنرمند از مقدس بودن عدد سه اشاره دارد.

۸۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سرو علامت مشخصه مرگ و جنازه است. حدس می‌زدند درخت سرو دارای نیرویی است که بدن را از فساد حفظ می‌کند و به همین دلیل در گورستان‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت.

درخت سرو در اساطیر نمادی از درخت همیشه‌سبز و نمادی از فناپذیری و جاودانگی است (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۵۹). مطابق روایات، زردشت، دوشاخه سرو از بهشت آورد و یکی را در قریه کشر از قرای ولایت ترشیز و دیگری را در قریه فریمد از قرای طوس خراسان کاشان کاشت که هر دو بیالیدند و تنومند گشتند. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۶۶؛ دهخدا ۱۳۷۲: ۱۵۸۸)

نقش درخت چنار (شکل شماره ۴-۱)

در اساطیر، چنار مظهر شاه و تاک مظهر همسر او بود که از طریق او سلطنت دوام می‌یافت. عوام معتقدند چنار شاه درخت‌هاست و چنار کهن، برکت و پر محصولی را به زمین و خانواده می‌بخشد و موجب بارداری و سلامت زنان می‌شود. از این جهت، در برخی مناطق، چنارهای کهن «درخت مراد» تلقی شده‌اند (یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۰۵). همچنین چنار به سبب جوان شدن هر ساله، مظهر برکت و نعمت بخشیدن ابدی خدایان و ارواح است. (بهار، ۱۳۷۷: ۴۵)

نقش نیلوفر (شکل شماره ۴-۸)

در اساطیر ایرانی، نیلوفر نماد الهه آناهیتا و مادینه هستی به شمار می‌رفته است که از جهاتی با معتقدات هندیان باستان مشابه است. سابقه کهن و اساطیری نیلوفر در نزد ایرانیان و هندیان به حدی است که آثار نیلوفر هشت و دوازده و حتی هزار برگ را در معماری و آثار باستانی این دو قوم به‌وضوح می‌توان دید. در روایات کهن ایران، نیلوفر آبی (لوتوس) که در آب نگهداری می‌شد را در جای نگهداری تخمه یا فر زردشت می‌دانستند و از این‌رو، نیلوفر با آیین مهر پیوستگی نزدیکی می‌یابد. مقدم معتقد است که در صحنه زایش مهر آن چیزی که مانند میوه کاج است و مهر از آن بیرون می‌آید، غنچه نیلوفر است نه صخره. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۸۴)

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۸۳

نیلوفر از سویی با آب و از سوی دیگر با خورشید و ماه در ارتباط است. آب زادگاه و زیستگاه نیلوفر است. نیلوفر با خورشید می‌شکافد و با غروب آن بسته می‌شود. گویی نیلوفر، زیباترین گیاه آبی، محوری است که نمادهای ماه و خورشید، فرزندشت، زایش مهر و بانوی آب‌ها «آناهیتا» و شاید بسیاری دیگر از مفاهیم را به هم می‌پیوندد.

نقش بته‌ای

در (شکل شماره ۹-۴): فرم مهرابی - در حاشیه مهراب فرم گیاهی و بته‌ای گل شاه‌عباس قرار دارد که بسیار زیبا در کنار هم قرار گرفته است و در پایین مهراب این شعر نوشته شده است: زد گل ز جان تو گوش کنی / از خاطره یکدیگر فراموش کنی - استاد عماد محمدعلی ابن ملاعلی یعقوب.

بوته نقش مایه‌ای است که در طراحی نقش مایه سنگ قبور سفیدچاه کاربردی فراوان دارد. پژوهشگران بوته را چنین تفسیر کرده‌اند: درخت سروی است سر از باد خم کرده یا مرغی شکل است که سر در سینه فروبرده یا زنی چادر به سر کرده و سینه در گریبان فروکرده (دانشگر، ۱۳۷۲: ۱۰۰). بوته‌ها انواع مختلفی داشته‌اند مانند بوته‌های گل شاه‌عباسی (هشت پر یا شاه‌عباسی)، گل ختمی و گل نرگس که در میان سنگ قبور سفیدچاه بهشهر رواج زیادی داشته‌اند.

اگر گل دوازده‌پر هزاره دوم پیش از میلاد را نشانه پذیرش سال خورشیدی و دوازده ماه سال بدانیم گل هشت پر نماینده چهار فصل سال است (پرهام و آزادی، ۱۳۷۱: ۱۰۴). نقش بته‌جقه (ترنجی یا سروی) از سده‌های چهارم و پنجم هجری باقی‌مانده بر روی سنگ قبور سفیدچاه بهشهر است. سنگ قبور سفیدچاه با انواع اسلیمی، ختایی و گل و برگ‌های دیگر تزئین می‌گردد که بته‌جقه‌ای معروف‌ترین طرح این گروه است.

نقش اسلیمی

در (شکل شماره ۲-۳) فرم مهرابی حاشیه با تقسیم‌بندی‌های منظم لوحه‌های کوچکی ایجاد کرده که در این لوحه‌ها آیات قرآن آمده است. در مرکز مهراب یک فرم هندسی پیچیده متشکل از دایره و نقوشی اسلیمی شبیه برگ ایجاد کرده است.

۸۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

قالب اصلی این طرح بر مبنای گردش‌های منظم و به‌غایت سنجیده بندهای اسلیمی استوار است. طرح‌های اسلیمی خود دارای انواعی است، از جمله: اسلیمی بندی، اسلیمی افشان، اسلیمی لچک و ترنج.

در طرح اسلیمی، دوایر متحد‌المركز (شکل شماره ۱۱-۴) نمایانگر طبقات و سلسله‌مراتب وجودند و نیز دایره نشان‌دهنده آسمان کیهانی است. بورکهارت در مورد اسلیمی و پیچ‌وتاب عرفانی آنها بر این باور است که این طرح، نماد شگفت‌انگیزی از مرتبه‌ای از تفکر و مراقبه است که طی آن، آدمی، وحدت در کثرت و کثرت در وحدت را درمی‌یابد. ویژگی بارز اسلیمی‌های گیاهی، همان نمایش حرکت و زایش است که در بطن طبیعت، خواه گیاهی یا حیوانی دیده می‌شود. (بورکهارت، ۱۳۷۱: ۶۹)

در (شکل شماره ۳-۳) نقش اسلیمی را بر روی سنگ قبور سفید چاه بهشهر مشاهده می‌کنیم که از زیبایی خاصی برخوردار است.

نقوش حیوانی بر سنگ قبور سفیدچاه

یکی از روش‌هایی که در قدیم برای جاودانگی مرسوم بوده، کشیدن نقش‌های حیوانات بویژه اعضای بدن آنهاست و این عمل نشان‌دهنده قدرت و سعادت و به‌منظور تسخیر روح حیوان صورت می‌گرفته است تا بدین‌صورت میل به جاودانگی و کمال‌خواهی خویش را به آیندگان نشان دهد. پیشرفت بشر تا بدان جا رسید تا بتواند این طرح‌ها را از روی دیوارهای غارها بر روی زیرانداز خود، همراه باظرافت بیشتری پیاده نماید. (ژوله، ۱۳۸۱: ۳۱) «در ایران باستان و دوره‌های مختلف، حیوانات در باورها و اعتقادات مردم نقش بسزایی داشته و به علت عقاید جادویی و مذهبی، تصویر جانوران را گاه به‌صورت خیالی و زمانی به شکل تمثیلی نمایش می‌دادند. به‌عنوان مثال هخامنشیان به نیروی جادویی نیز اعتقاد داشته و گمان می‌کردند که با تجسم او باران خواهد بارید» (گشایش، ۱۳۸۲: ۲۰۶). در مجموعه گورستان سفید چاه بهشهر نیز این نقوش به‌صورت نقش کبوتر بر روی قبور دیده می‌شود.

تصاویر	نقش	تصویر
شکل ۴-۳ گورستان فرعی شماره ۱، نقش درخت	شکل ۴-۲ گورستان فرعی شماره ۲، نقش برگ	شکل ۴-۱ گورستان فرعی شماره ۳، نقش گل و درخت چنار
شکل ۴-۶ گورستان اصلی درخت کاج	شکل ۴-۵، گورستان فرعی، نقش درخت سرو	شکل ۴-۴، گورستان اصلی نقش بوته
شکل ۴-۹ گورستان اصلی نقش بت‌های گل شاه‌عباسی	شکل ۴-۸ گورستان فرعی شماره ۱، نقش گلدانی، نقش نیلوفر هشت پر، نقش انار	شکل ۴-۷ گورستان اصلی نقوش افشان
شکل ۴-۱۲ گورستان اصلی نقش کیوتر	شکل ۴-۱۱ گورستان اصلی فرم دوایر متحد‌المرکز	شکل ۴-۱۰ گورستان فرعی، نقش بت‌ه‌جقه‌ای (سروی)

شکل شماره ۴: نمونه‌هایی از سنگ قبر در گورستان اصلی

۸۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نقش آسمان بر سنگ قبور سفیدچاه

در (شکل شماره ۳-۵) فرم دایره نقش مرکزی دارد و برگ‌های انتهایی گیاهی و فرم‌های انتزاعی به اشکال هندی نیز قرار دارد. فرم ۴ دایره به دور یک نقطه متصل‌المرکز می‌چرخند و فرم‌های انتزاعی اطراف قرار گرفته است. در باورهای کهن، آسمان چهار طبقه است: پایگاه ستارگان، پایگاه ماه، پایگاه خورشید و سرانجام پایگاه روشنی بی‌پایان (بهشت) و از دوره ساسانیان به بعد است که هفت طبقه بودن آسمان مطرح می‌شود و در اساطیر مانوی تعداد آسمان‌ها، ده آسمان است که در پایان جهان فرومی‌ریزد. (هینلز، ۱۳۸۳: ۱۴۷-۱۴۹)

در بیشتر نگاره‌های سنگ قبور سفیدچاه، هنرمند سنگ‌تراش آسمان را به چهار طبقه تقسیم کرده است که یادآور اساطیر ایرانی و آسمان چهار طبقه دوره ساسانی است.

نقش خورشید بر سنگ قبور سفیدچاه

در (شکل شماره ۹-۵) فرم محراب به دو بخش تقسیم شده و در حاشیه مهراب با خطوط موازی و مورب تزئین گردیده است و داخل مهراب به ۳ بخش تقسیم شده است. نقش خورشید با اشعه آن، نقش ماه و دست‌ها و گل ۴ پر در این سنگ قبر به تصویر کشیده شده است.

آن‌چنان که در بخش آسمان ذکر شد، بنا بر اساطیر، طبقه سوم آسمان جایگاه خورشید است. خورشید آفریده هر مزد است و اهمیت آن به حدی است که با عنوان «دیده اهورامزدا» توصیف شده است. خورشید همکار مهر است. خورشید با اهریمن و آفریدگان در ستیز است. خورشید با دیوان و بلدکاران می‌ستیزد و آب و زمین و آفریدگان را تطهیر می‌کند. (واشقانی فراهانی، ۱۳۸۹: ۳۴۳)

در تاریخ کهن ایران نیز خورشید از اعتبار و اهمیت خاصی برخوردار بوده است و در اعیاد، گردونه خورشید را می‌گرداندند. از سوی خورشید به دلیل گرمابخشی خود همانند آب، نشانه حیات و سرچشمه نیروی انسانی و کیهان و از سوی دیگر مظهر مجسم نیروهای آسمان و زمین و «پدر بشر» نامیده شده است. (یاحق، ۱۳۸۶: ۳۳۸-۳۳۹)

از آنجاکه ایرانیان برای خورشید اهمیت خاصی قائل بوده‌اند، به‌مرور ایام نقش آن را ساده کرده و به‌صورت چلیپا ترسیم کرده یا نقوش دیگر را به خورشید نسبت داده و به تصویر کشیده‌اند. بز کوهی را حیوان خورشید می‌نامند و علامتی شبیه به ستاره چندپر یا گلی که دارای برگ‌های بسیار است، نماد خورشید است. از دیگر موجودات منسوب به خورشید، گل نیلوفر است. فلز منسوب به خورشید، طلا و شکل هندسی مربوط به آن دایره است. (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۷-۳۶۷). به همین دلیل در سنگ قبور سفیدچاه به جای رنگ طلایی خورشید از سنگ زرد استفاده کرده‌اند.

نقش چلیپا (صلیب شکسته) بر سنگ قبور سفیدچاه

تصویری از نقش چلیپا (شکل شماره ۵-۱) و ستاره هشت پر (شکل شماره ۵-۲) که هر دو نمادی از خورشید هستند، دیده می‌شود. در (شکل شماره ۵-۱۰) فرم مهرابی ۴ فرم محرابی داخل هم قرار گرفته‌اند، فرم گل ۴ پر و در حاشیه مهراب کوچک‌تر فرم انتزاعی صلیب و در مهراب مرکزی مشخصات متوفی نوشته شده است: وفات مرحوم - ملا محمد ابن یوسف - علی کندی - سند ۱۳۰۳.

نقش‌مایه‌های به شکل چلیپا روی سنگ قبور سفیدچاه نماد خورشید، نماد روز و روشنی و پایان یافتن شب و تاریکی و پلیدی است. همچنین چلیپا مظهر وحدت روحانی و تلفیق جنبه‌های افقی - عمودی در جان بشر است. چلیپا به معنای گوهر متعالی است. نگه‌دارنده و حافظ انسان دانسته شده است (کوپر، ۱۳۷۹: ۲۴۱). در اینجا هنرمند سنگ‌تراش سفیدچاه آگاهانه یا ناخودآگاه، شکل چلیپا را که مظهر خیر و نماد اساطیری است، به‌عنوان حافظ و نگهبان، تصویر کرده است و نمادین، پایان دوران تاریکی و پلیدی را بر سنگ‌قبر به تصویر کشیده است؛ حتی اگر هنرمند بدون توجه به مفهوم نمادین چلیپا و تنها به‌منظور تزئین از این نقش استفاده کرده باشد. این نقوش در یک‌سوم حاشیه سنگ‌قبر در دید مقابل مخاطب قرار دارد.

تصویر	تصویر	تصویر
شکل شماره ۵-۳، گورستان فرعی نقش آسمان	شکل شماره ۵-۲، گورستان اصلی نقش آسمان	شکل شماره ۵-۱، گورستان اصلی نقش آسمان
شکل شماره ۵-۶، گورستان فرعی ۲ نقش خورشید	شکل شماره ۵-۵، گورستان فرعی ۳ نقش خورشید	شکل شماره ۵-۴، گورستان فرعی نقش خورشید
شکل شماره ۵-۹، گورستان اصلی نقش آسمان	شکل شماره ۵-۸، گورستان اصلی نقش خورشید	شکل شماره ۵-۷، گورستان فرعی نقش خورشید
شکل شماره ۵-۱۲، گورستان اصلی نقش کوه و درخت زندگی	شکل شماره ۵-۱۱، گورستان فرعی، نقش آب و ماهی	شکل شماره ۵-۱۰، گورستان اصلی نقش چلیپا

شکل شماره ۵: نمونه‌ای از سنگ قبر در گورستان اصلی

عوامل شکل‌گیری نقوش سنگ قبور سفیدچاه بهشهر

سنگ قبور سفیدچاه بهشهر تحت تأثیر عوامل طبیعی و جغرافیایی و نیز باورها و اعتقادات، نقش‌ها و طرح‌های خاص خود را پدید می‌آورد. این عوامل در قالب دو گروه طبیعت و فرهنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طبیعت

تأثیر محیط بر انسان و بازتاب آن در اثر هنری پدیده‌ای روانی است و نقشی است که از شرایط طبیعی، جغرافیایی، اجتماعی بر روان بر جا مانده است و پس از پالایش به‌صورت واکنش هنری در نقش درآمده است. محیط جغرافیایی نه‌تنها در پراکندگی تمدن‌ها، نژادها و شکل سکونت مؤثر می‌افتد بلکه در ویژگی‌های روحی انسان و هنر که حاصل روح و فکر است بی‌تأثیر از آن عوامل نخواهد بود.

نقش‌مایه‌های سنگ قبور سفیدچاه عمدتاً از طبیعت و زیبایی‌های آنها وام گرفته است و دانسته نیست که به چه دلیل در این منطقه از کلمه گل در طرح‌ها زیاد استفاده شده، شاید لفظی استعاری و مقدس در بزرگداشت خاطره گذشتگان و بزرگان اهالی منطقه سفیدچاه و بهشهر بوده است.

وجود نگاره‌ها و طرح نقوش درخت، گل و گیاهان حک شده بر سنگ قبور سفیدچاه نشانه‌ای از خواست باطنی سنگ‌تراشان برای سرسبزی و خرمی محیط زیستشان است. نقوش بقه جقه (سروی) که حالت درخت سرو خمیده را دارد در عین حال نماد نجات و زندگی روستایی و عشایر است و به دلیل سربلندی و استقامت یکی از نمادهای زندگی است. نقوش درختان افشان نیاز سنگ‌تراشان به سرسبزی محیط و طول عمر است (جزایری، ۱۳۷۰: ۶۸). پدیده‌هایی چون درختان، گیاهان و دیگر عناصر طبیعی باعث شده‌اند وجهی مشترک از نظر شکل در بین سنگ قبور مجموعه گورستان سفیدچاه به وجود آید و هماهنگی زیبا و خوشایندی پدیدار شود.

۹۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فرهنگ

بدون تردید هر قومی با توجه به عوامل تاریخی و برداشتی که از زندگی دارد، اسطوره‌ها، باورها و افسانه‌ها و هنرهای خود را می‌سازد. با نگاهی به راه و رسم زندگی هر ملت و آشنایی اجمالی با فرهنگ آنها می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر فرهنگ و محصولات مختلف جامعه، هر یک مشخصات ویژه‌ای دارد که بسیار پسندیده و درخور احترام است. چنین مقوله‌ای در عالم هنر نیز به گونه‌ای است که در آن هنرمندان با توجه به دریافت و برداشتی که از موقعیت محیط کسب کرده‌اند، بدون آنکه مانعی در مقابل خود ببینند، فضاهای مختلف را در کنار هم قرار می‌دهند و وقایع را روایت می‌کنند. همچنین زوایایی دیدشان را نسبت به وضعیت و موضوع تغییر می‌دهند و آن مظاهر رؤیت‌پذیر را آن‌طور که تمایل دارند، طراحی می‌کنند (بیهقی، ۱۳۶۷: ۱۶).

جمع‌بندی

سنگ نشان‌ها هرکدام خلاصه‌ای از زندگی دنیوی و آرزوهای زندگی جاودانی صاحب‌گور را به نمایش می‌گذارد و از سوی حکاکان بومی خلق شده‌اند. حکاکان هنرمندی که به نظر می‌رسد در همین منطقه زندگی می‌کرده‌اند و با توجه به طبیعت منطقه که به لحاظ کوهستانی بودن از مسیر تقاطع فرهنگ‌ها تا حدود بسیار زیادی به دور مانده و غنای بومی خود را حفظ کرده است، از نمادهایی بهره برده‌اند که در اقصی نقاط گیتی از آن استفاده می‌شود و گویا مفهوم آنها یکی یا به هم بسیار نزدیک است. گورستان سفیدچاه از منحصر به فردترین گورستان‌های قرن هشتم و نهم هجری است که در روستایی به نام سفیدچاه از بخش یانه‌سر شهرستان بهشهر قرار دارد. تزئینات روی سنگ‌قبور به دو صورت کتیبه‌نگاره و نقوش متنوع، نشان‌دهنده ماهیت و موقعیت اجتماعی و مذهبی متوفیان است که به دو شیوه گود و برجسته بر روی سنگ ایجاد شده است. سنگ‌قبرهای سفیدچاه به فرم‌های صندوقی، کتابی و مهرابی است. با شاهکارهایی از نقوش متنوع و بی‌همتایی که قلم هنرمندان حکاک این مرز و بوم آن را خلق کرده‌اند. نقوشی که از طبیعت سرشار و زندگی ساده و بی‌پیرایه مردم این سرزمین

سرچشمه گرفته و کتابخانه سنگی بی‌نظیری را از هنر، معیشت و اعتقادات آنان خلق کرده‌اند و تحسین هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد.

یکی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های نگاره‌های سنگ‌نگاره‌های گورستان سفیدچاه بهشهر را ویژگی رمزپردازی و نمادین آن باید دانست که طرح این‌گونه آثار آن را به بهترین شیوه به مخاطب خویش منتقل می‌سازد. نمادپردازی چیزی بیشتر از یک علامت ساده است، چون انسان را به قلمرو اندیشه بدون گفتار سوق می‌دهد. بسیاری از این نمادها بعدها در طول زندگی انسان در آثار گوناگون هنری تجلی یافت و راه کمال را پیمود. اگرچه برخی از این نقوش و نگاره‌ها ویژگی‌های اولیه خود، مانند مقدس و آیینی بودن را از دست دادند، اما همچنان در کمال زیبایی، جای خود را بر روی بسیاری از آثار هنری باز کردند. به نظر نگارندگان، نقوش نمادین به کار رفته در مجموعه گورستان سفیدچاه بهشهر ارتباط تنگاتنگی با اعتقادات عارفان و صوفیان و مراسم زاهدانه و مذهبی آنها داشته است. نقوش هندسی عمده‌ترین نقش‌مایه‌های نمادین را در مجموعه گورستان سفیدچاه به خود اختصاص داده است. با توجه به مطالعات انجام‌شده به صراحت می‌توان اذعان داشت که در ایجاد این نقوش، نگرش و اندیشه‌های صوفیان و هنرمندان این دوره تأثیر به‌سزایی داشته است. نقوش نمادین در فرهنگ و هنر اسلامی جایگاهی فراتر از زیبایی ظاهری آن دارد و یکی از شاخصه‌های مهم هنر اسلامی به شمار می‌رود. بدون شک بررسی و مطالعه هنرهای اسلامی در ابعاد مختلف باعث شناخت ارزش‌های والای هنر نقوش نمادین و تجزیه و تحلیل آنها خواهد شد. کما اینکه بخش عظیمی از این نوع نقوش هنرهای اسلامی به دلیل مفاهیم نمادین آنها همچون لوحی درهم‌پیچیده باقی مانده است.

همچنین می‌توان گفت، این کتابخانه سنگی یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های اعتقادی و معیشت و به‌طورکلی فرهنگ بومی منطقه را به نمایش می‌گذارد. سنگ نشان‌ها، هر کدام خلاصه‌ای از زندگی دنیوی و آرزوهای زندگی جاودانی صاحب‌گور را به نمایش می‌گذارند و از سوی حکاکان بومی خلق شده‌اند؛ حکاکان هنرمندی که به نظر می‌رسد در همین منطقه زندگی می‌کرده‌اند و با توجه به طبیعت منطقه که به لحاظ کوهستانی بودن از مسیر تقاطع فرهنگ‌ها تا حدود بسیار زیادی به دور بوده و غنای بومی خود را

۹۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

حفظ کرده است، از نمادهایی بهره برده‌اند که در اقصی نقاط گیتی از آن استفاده شده و گویا مفهوم آنها یکی یا به هم بسیار نزدیک است.

گرچه سنگ قبرهای متعلق به قرن هشتم هجری در این قبرستان بازگوکننده دوره تیموری است، ولی تزئینات مختلف و نقوش بدیع این مجموعه به حالات و مقامات عرفانی و محورهای طریقتی صوفیان و صفویان اشاره دارند که نشان می‌دهد این قبرستان در دوره‌های بعدی تا زمان حال مورد توجه عمیق بوده است. همچنین باید اشاره کرد که صفویان تأثیر گرفته از هنر دوران تیموری هستند و این موضوع را از تزئینات و نقوش به کار رفته در گورستان سفیدچاه، بویژه گورستان اصلی می‌توان دریافت.

به‌طور کلی، نقوش سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه شباهت فراوانی با بیشتر گورستان‌های همدوره خود دارد؛ از جمله با نقوش سنگ قبور محوطه امامزاده باباسیف‌الدین دره‌شهر، نهارخوران گرگان، نقوش قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و بعد از آن گورستان دارالسلام شیراز (به لحاظ نقوش گیاهی و بویژه نقش ساده شده سرو و حتی قاب‌بندی‌های نوع برگ و گیاهی انتزاعی) و با سنگ قبر امیرنوشیروان در اردستان (به لحاظ قاب‌بندی به شکل برگ نخل و مقرنس‌کاری‌های بالای سنگ عمودی کنار سنگ قبر) و قبور آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری، در اهر و بویژه سنگ قبر خود شیخ (که شباهت بی‌چون و چرایی با برخی از سنگ قبور گورستان سفیدچاه دارد؛ بویژه برگ نخلی و نقش دوایر به شکل شمسه بر روی آن)، هم‌چنین با نقوش سنگ مزارهای بقعه شیخ کلخوران اردبیل (به لحاظ قاب‌بندی و طرح محرابی). گورستان سفیدچاه از نظر تنوع نقوش و کیفیت اجرای آن و نوع سنگ‌های به‌کار رفته در آن، نسبت به گورستان‌های مشابه و مذکور در سطح بهتر و بالاتری است. در اینجا باید به این نکته توجه شود که گورستان سفیدچاه به لحاظ نقوش گیاهی و هندسی و نمادین به‌کار رفته در آن از تنوع و کمیت بالایی برخوردار است و در مقابل، نقوش انسانی و حیوانی در آن کم است. مفهوم کلی نقوش بیانگر طلب جاودانگی، سعادت‌مندی و پرواز و آزادگی و آمرزش و بارش نور و رحمت الهی برای فرد متوفی است. ضمن اینکه سایر مفاهیم نقوش، اشاره به شغل و جایگاه آن در جامعه و جنسیت متوفی دارد.

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۹۳

با اینکه تفسیر چرایی استفاده از برخی نمادها و تصاویر گورنگاره‌ها بر ما پوشیده است و تعبیر آن تنها حدس و گمان بوده و ارتباط آنها و بار معنایی که هرکدام از نمادها با خود به همراه دارند، همه این نقوش به‌مثابه گنجینه‌ای پر بها و ارزشمند هستند که هم مبین زندگی مردم، هم حاوی فرهنگ و عادات و آداب و اعتقادات آنها، هم شامل فرهنگ غنی و پر بار ادبیات ما اعم از متون کهن یا افسانه‌های مردمی و عامیانه، هم حامل فرهنگ‌عامه و ذوق و ذائقه و پسند توده مردم و هم نشانگر عشق به زندگی در دنیای اخروی و اعتقاد به دنیای آخرت‌اند؛ ضمن آنکه دل‌مشغولی‌های عالم آخرت و زندگی پس از مرگ را می‌توان در آنها دید.

منابع

- آریانپور، امیرحسین (۱۳۵۴). *جامعه‌شناسی هنر*. تهران: نشر گستره.
- احمدی، رسول؛ روشن ضمیر، علی؛ فرهمند، علی (۱۳۹۲). «محراب، پدیده‌ای مسیحی یا ایرانی - اسلامی: جستاری در ریشه‌های محراب مقعر و جایگاه آن در معماری مساجد». *همایش ملی باستان‌شناسی ایران (دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها)*. دانشگاه بیرجند. اردیبهشت. صص ۱۳۸-۱۵۳.
- الانصاری، عبدالقادر (۱۳۷۸). *تعمیر و توسعه حرم شریف نبوی در طول تاریخ*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: نشر معشر.
- اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا*. تهران: نشر مرکز.
- الیاده، میرچاه (۱۳۸۸). *دین‌پژوهشی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی*. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- الیاده، میرچاه (۱۳۷۲). *رساله‌ای در تاریخ ادیان*. ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات سروش.
- افروغ، محمد (۱۳۸۹). *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: نشر جمال.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۷). *از اسطوره تا تاریخ*. گردآورنده و ویراستار ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر چشمه.

۹۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- بلخاری، حسن (۱۳۸۴). تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند. تهران: کتاب هنر و ماه. مرداد و شهریور ۱۳۸۴.
- بوکور، دومونیک (۱۳۷۶). **رمزهای زنده‌ی جان**. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر مرکز.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۷۱). **هنر مقدس**. ترجمه جلال ستاری. تهران: نشر سروش.
- براون، دن (۱۳۸۵). **راز داوینچی**. ترجمه سمیه گنجی و حسین شهبابی. چاپ هفتم. تهران: نشر زهره.
- بهشید، بابک؛ بهلولی نیری، بهزاد (۱۳۹۲). «مفهوم نقش و نگاره‌ها در سنگ قبرهای محوطه شهیدگاه بقعه شیخ صفی‌الدین». **همایش ملی باستان‌شناسی ایران (دستاوردها، فرصت‌ها، آسیب‌ها)**. بیرجند، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند. اردیبهشت ۱۳۹۲. صص ۱۵۳-۱۶۴.
- بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۷). **فرهنگ عامه**. مشهد: نشر قدس رضوی.
- بی‌نام (۱۳۸۸). «سیمای میراث فرهنگی استان مازندران». **بولتن داخلی میراث ساری**.
- بهرورزی، بنیاد (۱۳۷۷). «نیلوفر». تهران: **مجله چیستا**: شماره ۱۴۸ و ۱۴۸. صص ۶۴۸-۶۳۲.
- پرهام، سیروس، آزادی، سیاوش (۱۳۷۱). **دست بافته‌های عشایر روستایی فارس**. تهران: انتشارات امیرکبیر، جلد اول.
- پارسایی، مهدی؛ شهابی‌راد، فاطمه (۱۳۹۰). «پژوهشی بر نمادهای گرافیکی گورستان دارالسلام شیراز»، **ماهنامه کتاب ماه هنر**. شماره ۱۵۶. صص ۶۸-۷۴.
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۲). «سنگ مزارهای ایران». **مجله هنر و مردم**. دوره ۱. شماره ۱۲. صص ۳۹ - ۳۱.
- پویان، جواد؛ خلیلی، مژگان (۱۳۸۹). «نشانه‌شناسی نقوش سنگ قبرهای دارالسلام». **کتاب ماه و هنر**. شماره ۱۴۴. صص ۹۸-۱۰۷.

- سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۹۵
- پورعبدالله، حبیب‌الله (۱۳۸۷). «از لطف باغ‌های ایرانی تا ظرافت منبت‌کاری». هفته‌نامه سازمان میراث فرهنگی (پارسه). سال سوم شماره ۱۴۴ خردادماه.
- جزایری، زهرا (۱۳۷۰). شناخت گلیم. تهران: نشر سروش.
- چیت‌سازان، امیرحسین (۱۳۸۸). نگاهی به تاریخ درخشان فرش کاشان. تهران: انتشارات سروش.
- چارائی، عبدالرضا (۱۳۸۷). «نقش‌های سنگ مزار گورستان». آینه خیال. شماره ۶. صص ۱۳۲-۱۳۸.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۴). «نقش و نماد در سفالینه‌های کهن ایران». مجله فرهنگ و هنر. شماره ۲۸. صص ۳۵۵-۳۷۸.
- خامچی، بهروز (۱۳۷۰). فرهنگ جغرافیای آذربایجان شرقی. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- خسرونژاد، پدرام (۱۳۷۷). «سنگ‌های مزار از پنجره مردم‌شناسی هنر». ماهنامه کتاب ماه هنر. شماره ۲۴. صص ۲۶-۳۲.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲). لغتنامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- دانشگر، احمد (۱۳۷۲). فرهنگ جامع فرش یادواره اسدی. تهران: انتشارات فرهنگ.
- دولت‌یاری، عباس (۱۳۹۵). مطالعه سفال‌های اسلامی دوره شهر تاریخی سیمره. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی گلستان.
- دریایی، نازیلا (۱۳۸۲). نقش و اسطوره در فرش دستبافت ایران. تهران: اولین سمینار ملی تحقیقات فرش دستبافت ایران.
- ریاحی، علی‌اصغر (۱۳۷۹). سیمای جغرافیایی هزار جریب. تهران: نشر آیندگان.
- ژوله، تورج (۱۳۸۱). پژوهش در فرش ایران، تهران: انتشارات یساولی. چاپ اول.
- شریفی‌نیا، اکبر؛ ساریخانی، مجید؛ دولت‌یاری، عباس؛ قائمی، نعیمه (۱۳۹۵). «شناخت و بررسی مضامین و نقوش تزئینی سنگ قبور شهرستان دره‌شهر در استان ایلام». فصلنامه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی. دوره ۲۱. شماره ۱. بهار ۹۵. صص ۲۳ - ۳۵.

۹۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۶۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. جلد ۳۲. تهران: چاپخانه سعید نو.
- عسگری، علی‌بابا (۱۳۵۰). **اشرف‌البلاد (بهشهر)**. تهران: انتشارات آیندگان.
- عطروش، طاهره (۱۳۸۵). **بته جقه چیست؟**. ترجمه‌ی مرتضی توسلی، تهران: نشر سی بال هنر.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۳). «سیری در قبرستان‌های شیراز». **مجله فرهنگ مردم**. سال سوم. شماره ۱۱ و ۱۲. صص ۱۰۶-۱۱۵.
- فیضی، مهسا؛ فیضی، نسیم (۱۳۸۹). «معرفی و بررسی باستان‌شناختی نقوش قبرها در گورستان‌های اسلامی بخش مرکزی شهرستان آبدانان». **استان ایلام**. آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام. (گزارش منتشر نشده).
- فلاح مهنه، مهدی (۱۳۸۹). **مقایسه تطبیقی نقوش سفالینه‌های عصر مفرغ با یافته‌های امروزی (مطالعه موردی محوطه‌های شهر سوخته و بمپور)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- فریزر، جیمز (۱۳۸۷). **شاخه زرین**. ترجمه‌ی کاظم فروزمنند. تهران: انتشارات آگاه.
- قریشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۵). **قاموس القرآن**. قم: دارالکتب اسلامیه.
- کوپر، جین (۱۳۷۹). **فرهنگ مصور نمادهای سنتی**. ترجمه ملیحه کرباسیان. تهران: انتشارات فرشاد.
- گشایش، فرهاد (۱۳۸۲). **تاریخ هنر ایران و جهان**. تهران: نشر عفاف.
- مقدم، محمد (۱۳۴۳). «محرابه یا پرستشگاه دین مهر». **نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان**. دوره اول. شماره ۳. صفحات ۴۶-۹۰.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷). **تفسیر نمونه**، جلد ۲، قم، دارالکتب‌الاسلامیه.
- منصوری، الهام (۱۳۸۱). **بررسی سمبول‌ها و اساطیر ایران از زمان هخامنشیان تا پایان ساسانیان و ارتباط آن با سمبول‌ها و اساطیر هند**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته نقاشی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه الزهراء.
- وفائی، شهربانو (۱۳۸۱). **طرح مصوب پژوهش‌های زبان و گویش اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران تحت عنوان بررسی، مطالعه و مستندسازی گورستان**

سنگ قبرهای گورستان سفیدچاه بهشهر؛ نوع‌شناسی، پیکره‌بندی و مفاهیم نقش و نگاره‌ها ❖ ۹۷

سفیدچاه بهشهر. آرشیو سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان مازندران (گزارش منتشر نشده).

- واشقانی فراهانی، ابراهیم (۱۳۸۹). *آسمان در باورهای اساطیری ایرانیان*. کرمان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی شهید باهنر کرمان. شماره ۱۸، صص ۳۳۷-۳۵۲.

- وارنر، رکس (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان*. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: نشر اسطوره.

- هینلز، جان راسل (۱۳۸۳). *اساطیر ایران*. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. تهران: انتشارات اساطیر.

- یوسفی، حسن؛ گلمغانی‌زاده اصل، ملکه (۱۳۸۹). *هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی*. چاپ اول. اردبیل: انتشارات یاوریان.

- یزدان‌خواه نسیم؛ مقبلی، آناهیتا (۱۳۹۱). «تجلی مظاهر خیر در طبیعت اسطوره‌ای نگاره‌های شاهنامه تهماسبی». تهران: *فصلنامه علمی- پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه*. سال پنجم. شماره سیزدهم. زمستان. صص ۵۵-۶۸.

- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات حماسی*. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.

- یونسی، میروود (۱۳۴۲). «محراب یا مهراب». *نشریه زبان و ادبیات*. دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز. شماره ۷۱. صفحات ۲۳-۴۴.

- Mortensen, I.D., (1993). *Nomads of Luristan: History, Material Culture, and Pastoralism in Western Iran*. Thames and Hudson. New York.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی